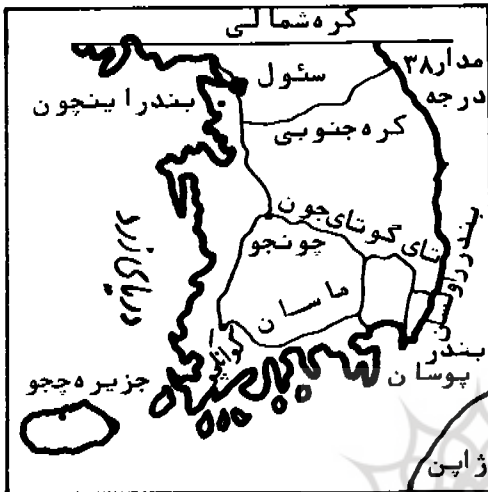


۶- مروری بر وضعیت اقتصادی کره جنوبی



دربین کشورهای در حال توسعه، نظام اقتصادی کره جنوبی به لحاظ اجرای موفقیت آمیز استراتژی "رشد صادرات" - از جمله نمونه‌ها و الگوهای موفق در این زمینه می‌باشد که باعث شده تا نظراً اکثر اقتصاددانان و متخصصین مسائل توسعه را بخود جلب نمایند تا جاییکه از آن بعنوان "ژاپنی دیگر" نیز

یا می‌کنند. این کشور در خلال دو دهه گذشته و از طریق برنامه‌های ۵ ساله توسعه اقتصادی و اجتماعی به سطح بالایی از رشد و توسعه اقتصادی دست یافته و موفق گردیده تا جایگاه خاصی را در بین کشورهای تازه صنعتی شده آسیای (۳) به خود اختصاص دهد. در این گزارش، ضمن آشنایی اجمالی با سیر تحولات و علل موفقیت اقتصادی کره جنوبی، مروری خواهیم داشت به وضعیت اقتصادی این کشور در سال ۱۹۸۶، که علیرغم ناآرامیهای سیاسی، از جمله موفق ترین سالها در تاریخ اقتصادی کره جنوبی محسوب میشود.

(۱): Export - Oriented

(۲): Another - Japan

(۳): Newly Industrializing Countries (NICs)

اقتصاد کره جنوبی در اوایل دهه ۱۹۶۰ به علت سوابق ناگوار تاریخی، آثار و ویرانیهای ناشی از جنگ کره (۱۹۵۳-۱۹۵۰) و موقعیت خاص جغرافیایی این کشور، از شرایط و وضعیت نامطلوبی برخوردار بود. قابل ذکر است که شبه جزیره کره (کره جنوبی و کره شمالی) بین سالهای ۱۸۷۶ تا ۱۹۴۵ به مدت ۶۹ سال تحت سلطه سیاسی و اقتصادی ژاپن قرار داشت. این وابستگی و استثمار شدید ژاپن بر منابع اقتصادی کره (اعم از شمالی و جنوبی)، بویژه نیروی کار، بخش کشاورزی و صنایع سبک سنتی این کشور، فقر شدید اقتصادی را در سرتاسر شبه جزیره کره بوجود آورده بود.

بدنبال الحاق خاک کره به ژاپن در سال ۱۹۱۰، بزودی مردم کره نه تنها از آزادیهای سیاسی، بلکه از بسیاری حقوق طبیعی خود در زندگی محروم شدند. حکومت ژاپن پول رایج در کره را تغییر داد و سیستم حمل و نقل و ارتباطات کشور را تحت کنترل خود درآورد. شرکت توسعه نیمه دولتی ژاپن با اجرای طرحی تحت عنوان "برنامه اصلاحات اراضی"، مقادیر وسیعی از مزارع کره را در اختیار خود قرار داد. بدین ترتیب ۸۰ درصد از مزارع کره که اکثراً "مزارع برنج بودند به مالکیت دولت ژاپن درآمد. اجرای سیاستهای استعمارگرانه حکومت ژاپن در کره باعث فقر و بیچارگی مردم گردید که نهایتاً "میلیون ها کره ای فلاکت زده در جستجوی کارونان به منچوری و سیبری مهاجرت کردند. تاثیر منفی که سلطه ژاپنیها، در ساختار فرهنگی و آموزشی کره ایها بجای گذارد، در توسعه تکنولوژی محلی این کشور در آینده موانع عمده ای بوجود آورد. علاوه بر این ها، جنگ کره که نتیجه تقسیم شبه جزیره به دو بخش شمالی و جنوبی

(۱)

توسط نیروهای آمریکا و شوروی بود، وضعیت اقتصادی این کشور را بشدت تضعیف کرد، بطوری که بخش قابل توجهی از صنایع و حتی بخشهای زیربنایی اقتصادی بطور کلی نابود و یا متحمل خسارتهای زیاد گردیدند. خسارات وارده ناشی از جنگ به اقتصاد کره جنوبی را در آن زمان بیش از ۳ میلیارد دلار برآورد کرده اند. هنگامی که مدار ۳۸ درجه شمالی حدفاصل دو کشور کره جنوبی و کره شمالی تعیین گردید، بخش اعظم منابع طبیعی شبه جزیره به شمالیها واگذار شد که این خود در تقلیل توان بالقوه اقتصادی کره جنوبی تا نیربسیازی داشت. بعد از تقسیم شبه جزیره، حکومت نظامی آمریکا که از سال ۱۹۴۸ (سال تاسیس جمهوری کره جنوبی) به مدت ۳ سال در این کشور قدرت را در دست داشته اقداماتی در جهت تثبیت اوضاع اقتصادی این کشور صورت داد بطوریکه رشد تولید ناخالص ملی کره جنوبی در سال ۱۹۴۹ به ۹/۷ درصد رسید. پس از جنگ کره نیز آمریکا کمکهای خود به کره جنوبی را ادامه داد، بطوری که در مدتی کمتر از ۲ سال بیش از ۱۱۷۰ میلیون دلار (بخشی از این کمکها از طریق سازمان ملل متحد صورت گرفته است) جهت بازسازی صنایع کلیدی به این کشور پرداخت نمود. این کمکها در مجموع در رشد اقتصاد و صنایع کره جنوبی تا نیر قابل توجهی داشتند، بطوری که بین سالهای ۱۹۵۴ تا ۱۹۵۷ تولیدات صنعتی این کشور سالانه بطور متوسط از رشدی معادل ۲۰ درصد برخوردار شدند و در سال ۱۹۵۷ رشد تولید ناخالص ملی به ۵/۷ درصد بالغ گردید. در واقع اقتصاد کره جنوبی پس از جنگ کره کاملاً "به کمکهای آمریکا متکی بوده است. به نحوی که تقریباً تمام مواد خام مورد نیاز صنایع، کالاهای مصرفی و مواد غذایی این

(۱): جهت آشنایی بیشتر با تحولات سیاسی کره جنوبی به نشریه کره جنوبی، از سری انتشارات نظری اجمالی به کشورها شماره (۱۹). مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، مهرماه ۱۳۶۵، مراجعه شود.

کشور توسط کمکهای مالی و اعتباری آمریکا خریداری می شده است. همانگونه که قبلاً عنوان گردید در اوائل دهه ۱۹۶۰، اقتصاد کره جنوبی با مشکلات عمده‌ای مواجه بود. سطح پائین درآمد و پس اندازهای داخلی، بخش صنایع سنتی، بازار محدود داخلی و اتکاء زیاد به کمکهای خارجی از ویژگیهای این سالها به شمار می رود، علاوه بر اینها خصوصیات جغرافیایی و جمعیتی نیز همچون فقدان منابع طبیعی، محدود بودن اراضی قابل کشت و تراکم بالای جمعیت از دیگر مشکلات و نارسائیهایی بوده که کره جنوبی در اوایلین سالهای دهه ۱۹۶۰ با آنها مواجه بوده است. علیرغم تمام این موانع و مشکلات که بر سر راه توسعه اقتصادی و اجتماعی کره جنوبی وجود داشت، این کشور موفق گردید در کمتر از ۲ دهه تحولی را که پیشتر به یک معجزه اقتصاد می شبیه است تجربه کند و در مدت کوتاهی از یک اقتصاد کمتر توسعه یافته متکی بر کثافت و ورزی به یک اقتصاد نیمه صنعتی تبدیل شود. این دستاوردها در واقع ثمره سیاستهای آگاهانه اقتصادی دولت کره جنوبی همراه با برخی ویژگیهای ساختاری این کشور بوده است که در اینجا جملاً بدانها اشاره می کنیم.

در ابتدا هدف توسعه اقتصاد کره، تولید کالاهای صنایع سنگین و شیمیایی از طریق اقتصاد داخلی و در چارچوب سیاست جایگزینی واردات تعیین گردیده بود که این امر هم به منظور کاهش وابستگی اقتصاد به کالاهای خارجی و هم جهت دستیابی به توسعه اقتصادی برنامه ریزی شده بود. با اینحال دولت کره جنوبی این استراتژی را به خاطر سه دلیل عمده تغییر داد: ۱- وابستگی این استراتژی به منابع خارجی جهت تأمین مالی کالاهای سرمایه‌ای و وارداتی. ۲- فشار کشورهای صنعتی نظیر آمریکا و ژاپن. ۳- تمرکز اولیه بر کالاهای تجملی صنعتی. از این رو در سال ۱۹۶۲ دولت این کشور ۴ برنامه ۵ ساله عموانی را بطور متوالی به

موردا جراگذا ردونقش فعلا نه ای را به منظور مداخله مستقیم در فعالیت‌های اقتصادی به عهده گرفت. استراتژی رشد اقتصادی با جهت‌گیری‌های صادراتی سیاستی بود که دولت کره جنوبی انتخاب نمود و اهداف هر برنامه را تحقق این استراتژی قرارداد.

طی اولین برنامه ۵ ساله (۱۹۶۲-۶۶) ایجا د زیر ساخت‌ها و بخش‌های زیربنایی اجتماعی نظیر انرژی و شبکه حمل و نقل که پیش‌نیازهای توسعه صنعتی به شمار می‌روند، در اولویت قرار داشت. از آنجا که در استراتژی رشد صادرات، عامل تعیین‌کننده "برتری نسبی دینامیک"^(۱) است، از این رو حسن انتخاب (در رابطه با نوع برتری) در فرآیند صنعتی شدن بسیار مهم و اساسی می‌باشد. با در نظر گرفتن این واقعیت، دولت کره جنوبی منابع محدود اقتصادی را به بخش‌هایی که از پتانسیل صادراتی برخوردار بودند اختصاص داد.

در دومین برنامه ۵ ساله، این اولویت به صنایع سبک کاربر که از قدرت رقابت پذیری در بازارهای جهانی برخوردار بودند داده شد، چرا که در آن زمان نیروی کار ارزان تنها مزیت نسبی اقتصاد کره جنوبی به شمار می‌رفت. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بازار نسبتاً "کوچک داخلی و سطح دستمزدهای بسیار پائین در بخش صنعت، اقتصاد این کشور را قادر ساخته بود تا بتواند در بازار صادرات محصولات سبک صنعتی کاربر به رقابت بپردازد. این مسئله همچنین در آن سالها کمک شایانی به کاهش سطح بیکاری در آن کشور نمود.

از آنجا که محصولات صنایع سبک کره جنوبی بدنبال اتخاذ سیاستهای حمایتی از سوی کشورهای صنعتی و همچنین افزایش قدرت رقابت پذیری دیگر کشورهای در حال توسعه بتدریج قدرت رقابتی خود

Dynamic Comparative advantage: (۱)

رادربا زارهای جهانی از دست می دادند، از این رو دولت این کشور در اوائل سال ۱۹۷۲ سیاست اقتصادی خود را در جهت تولید کالاهای صنایع سنگین و شیمیایی که بیشتر سرمایه بر بودند متمرکز ساخت. در نتیجه ترکیب صادرات از محصولات سبک صنعتی به کالاهای صنایع سنگین و شیمیایی که از کیفیت بالاتر صادراتی برخوردار بودند، تغییر یافت. تمام این تحولات باعث رشد سریعتر تولید ناخالص ملی، افزایش صادرات، کاهش بیکاری، توازن نسبی توزیع درآمد در بخشها (بویژه بعد از دهه ۱۹۷۰)، توزیع متعادل تر درآمد (که توسط "ضریب جینی"^(۱) محاسبه میشود) نسبت به سایر کشورهای در حال توسعه و حتی برخی از کشورهای توسعه یافته گردید. از دیگر پیامدهای مهم در دهه ۱۹۷۰، افزایش قابل توجه در بهره‌وری نیروی کار را میتوان ذکر کرد که ثمره آن افزایش دستمزدهای واقعی بدون ترقی قیمتها بود.

مهمترین عواملی که باعث اجرای موفقیت آمیز سیاستهای

اقتصادی کره جنوبی شده است را میتوان بدین شرح خلاصه نمود:

۱ - مردم کره جنوبی پس از سالها تحمل فقر و بدبختی، تمایل شدیدی به توسعه اقتصادی و افزایش استانداردهای رفاهی زندگی هم برای نسل حاضر و هم برای نسلهای آینده داشتند.

۲ - در کره جنوبی متعاقباً روابط نزدیک این کشور با اقتصاد کشورهای ژاپن و آمریکا و همچنین سرمایه‌گذاران کلان خصوصی و عمومی در بخش آموزش و پرورش، نیروی کار نسبتاً آموزش دیده و ماهری وجود داشت. این نیروی کار در بخشهای بهره‌وری پایین داشتند نظیر بخش کشاورزی بیکار بوده‌اند، از این رو درآمد آنها فرآیند صنعتی شدن و تشکیل یک چهارچوب توسعه صنعتی، این نیروها به صنایع سبک

(۱): Gini Coefficient

کاربر منتقل گردیند. (اواخر دهه ۱۹۶۰)

۳ - بخش کشاورزی نیازهای بخش صنعت را از طریق نیروی کار ارزان و افزایش عرضه محصولات کشاورزی برای استراتژی رشد صادرات تامین می نمود که این امر عدم توسعه این بخش را (کشاورزی) بسه دنبال داشت .

۴ - بازار کوچک و محدود داخلی به لحاظ سطح درآمدهای پائین در اوایل دهه ۱۹۶۰، همچنین سطح دستمزدهای اندک در بخشهای کشاورزی و صنعت در خلال فرآیند صنعتی شدن ، باعث گردید که تولیدات داخلی مستقیماً "روانه بازارهای خارجی گردند .

۵ - بدنبال سرمایه گذاریهای اساسی در زیرساختها و بخشهای زیر - بنایی اجتماعی (طی برنامه اول) صنایع سبک (برنامه دوم) و صنایع سنگین و شیمیائی (برنامه سوم) رشد قابل توجهی در تولید و صادرات بوجود آمد .

۶ - اگرچه کوششهای دولت در جهت افزایش نرخ بهره سپرده های بانکی و تشکیل موسسات مالی و بازارهای سرمایه داخلی به افزایش پس اندازهای داخلی کمک شایانی نمود، لکن رشد سریع سرمایه گذاریها، نیاز به منابع دیگری داشت که از طریق جریان های سرمایه خارجی تامین می گردید که البته این امر افزایش بدهیهای خارجی این کشور را بدنبال داشت. کره جنوبی به لحاظ رشد پتانسیل های صادراتی اش و برخورداری از اوضاع نسبتاً آرام سیاسی (قبل از دهه ۱۹۸۰) جهت دسترسی به بازارهای بین المللی سرمایه از موقعیت خوبی برخوردار بوده است، این وابستگی کشور را قدرمی ساخت تا با کشورهای پیشرفته جهانی نظیر آمریکا، ژاپن، کانادا و غیره به راحتی ارتباط برقرار نموده و اقتصاد خود را با

پیشرفت های تکنولوژیک منطبق سازد. بطوریکه در حال حاضر کره - جنوبی یک کشور را درکننده تکنولوژی و نیروی انسانی متخصص بویژه درزمینه هایی چون ساختمان سازی ، نرم افزار کامپیوتر و تسهیلات کارخانه ای به شمار می رود .

۷ - سیاست های اقتصادی مداخله گرانه و مناسب دولت کره و نظارت مستقیم آن در تخصیص منابع کمیاب اقتصادی به بخشهای اولویست دار اقتصاد ، نقش قابل توجهی در تامین رشد اقتصادی این کشور - عهده داشته است . پیرو این سیاست دولت این کشور تا دایره های ملی و تشویقی متعددی نظیر : کاهش ارزش پول ملی (وون) ، تا مین تسهیلات اعتباری ، نرخهای پائین بهره وام ، اعطاء معافیت های محدود در مورد مالیات بر درآمد و واردات ، نرخهای پائین تر تعرفه بر واردات مواد خام و کالاهای سرمایه ای و غیره را به مسورد اجرا گذارد . قابل ذکر است که این اقدامات نه به منظور حمایت از صنایع داخلی ، بلکه به جهت جلوگیری از تخصیص ارز محدود خارجی به کالاهای مصرفی صورت می گرفت .

لازم به یاد آوری است که اجرای این سیاست های اساسی اقتصادی با دوره ای از مشکلات جدی اقتصادی که از سال ۱۹۷۷ شروع و با یک بحران عمده اقتصادی در سال ۱۹۸۰ خاتمه یافت ، مواجه گردید . عوامل عمده ای که در ایجاد این بحران دخیل بوده اند را میتوان بدین شرح خلاصه نمود :

۱ - پیرو سیاست نرخهای پائین بهره بروامهای بانکی و تغییر سیاست دولت در مورد صنایع سبک ، سرمایه گذاریهای کلانی در صنایع سنگین و شیمیایی صورت گرفت که در نتیجه ظرفیت تولید ما زاد در این صنایع بوجود آمد و متعاقبا " محدودیتهای رشد کمتر گردید .

۲- به لحاظ این تغییر سیاست دولت، یک رشدنا متوازن بین صنایع سبک و سنگین بوجود آمد که در نتیجه کمبود عرضه صنایع سبک، قیمت‌ها افزایش یافت. از سوی دیگر چنین رشدنا متوازی بین بخش‌های صنعت و کشا ورزی نیز ایجاد گردید.

۳- کمبود نیروی کار متخصص بدنبال افزایش صادرات نیروی انسانی بویژه در بخش ساختمان سازی، باعث گردید که دستمزدهای واقعی بیش از بهره‌وری نیروی کار افزایش یابند، که بدنبال آن قیمت‌ها افزایش یافته و قدرت رقابت پذیری صادرات کره در بازارهای خارجی روبه ضعف نهاد.

۴- افزایش کسری بودجه عمومی که نتیجه حمایت از درآمد بخش کشا ورزی و برنامه‌های سرمایه‌گذاری عمومی بود همراه با تقاضای شدید برای وام‌های بانکی، باعث گردید که حجم نقدینگی در اقتصاد افزایش یافته و تورم داخلی سیر صعودی تری پیدا کند.

۵- کنترل قیمت‌ها که به منظور کاهش نرخ بالای تورم از سوی دولت اعمال گردید، مکانیسم قیمت‌ها را از شکل طبیعی خود منحرف ساخت.

۶- کاهش محصولات کشا ورزی منجر به کاهش تولید داخلی گردید.

۷- مشکلات فوق‌الذکر همراه با ناآرامیهای سیاسی در اقتصاد داخلی و همچنین افزایش قیمت‌های بین‌المللی نفت و نرخهای بهره، افزایش رقابت از سوی دیگر کشورهای در حال توسعه، سیاست‌های حمایتی و بحران در اقتصاد جهان از جمله مشکلات اقتصادی بودند که کره جنوبی در اواخر دهه ۱۹۷۰ با آنها مواجه بود.

شدت فشارهای جهان خارج بر اقتصاد کره جنوبی بحدی بود که

(۱)
از موفقیت برنامه ثبات (اقتصادی) که از سال ۱۹۷۹ جهت غلبه بر مشکلات

(i): Stabilization Program

فوق به مورد اجرا گذاشته شده بود، جلوگیری کرد. تا جائیکه تولید ناخالص ملی این کشور با رشد منفی ۵/۲ درصد مواجه گردید. (۱۹۸۰). همچنین نرخ تورم در کره جنوبی طی همان سال به ۳۹ درصد و کسری عظیم حساب جاری به ۹ درصد تولید ناخالص ملی رسید.

به منظور مقابله با این بحران جدی اقتصادی، دولت در سال ۱۹۸۰ یک برنامه ثبات (اقتصادی) عمده را که بر اساس تعدیل برنامه سه سال ۱۹۷۹ تهیه شده بود، به مورد اجرا گذارد. در این برنامه جدید یک چرخش اساسی در سیاست‌های اقتصادی دولت که از دهه ۱۹۶۰ اعمال می‌شد، بوجود آمد. بدین صورت که دولت با آگاهی از این واقعیت که اقتصاد بسیار پیچیده تر از آن شده است که بتوان با نظارت مستقیم آنرا هدایت کرد، تصمیم به کاهش نقش خود در فعالیتهای اقتصادی گرفت.

از جمله ویژگیهای عمده این برنامه میتوان به آزاد سازی تجارت و سیستمهای مالی از طریق تطبیق یک مکانیسم بازار آزاد در قیمتها، نرخ بهره و تعیین نرخ ارز، کاهش ارزش وون، برنامه‌هایی جهت ذخیره سازی انرژی و تحقیق برای منابع انرژی جایگزین اشاره نمود.

اگرچه پیرو سیاست مدیریت تقاضا در سال ۱۹۸۰، کاهش قابل توجهی در نرخ تورم و کسری تجاری بوجود آمد، لکن این سیاست (مدیریت تقاضا) از سال ۱۹۸۱ جهت تامین نرخ رشد بیشتر اقتصادی تا حدودی آزادتر گردید. از سوی دیگر متعاقب کاهش نرخهای بهره بین المللی و سقوط قیمتهای نفت و مواد خام، ثبات نرخهای ارز و کاهش دستمزدهای واقعی همراه با افزایش بهره‌وری نیروی کار، علیرغم کاهش بیشتر نرخ تورم و کسری حساب جاری، افزایشی در نرخ رشد اقتصادی بوجود آمد.

طی سالهای ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴ برنامه دیگری جهت افزایش نرخ رشد نسبتاً " پائین تولید ناخالص ملی در سال ۱۹۸۲ و کاهش نرخ تورم و جلوگیری از کسری بیشتر حساب جاری به مورد اجرا گذارده شد .

در این برنامه همچنین کاهش وابستگی اقتصاد به منابع خارجی و تغییر ساختار سررسید بدهیها به شکل قروض بلندمدت به لحاظ رشد آهسته صادرات نیز در نظر گرفته شده بود. در پایان سال ۱۹۸۴ برنامه ثبات (اقتصادی) به یک موفقیت اساسی نائل گردید که این را میتوان هم ناشی از عوامل مطلوب خارجی (نظیر نرخهای بهره و قیمت های پایین بین المللی و بهبود اقتصاد جهان و متعاقباً "افزایش تقاضا برای صادرات کره) و هم عوامل داخلی (همچون افزایش تولیدات صنعتی و کشاورزی، سیاستهای موثر دولت نظیر کاهش ارزش وون، سیاستهای اعتباری و مالی انقباضی و افزایش تقاضای کل) دانست .

قابل ذکر است که اگرچه کره جنوبی تاکنون موفقیت های قابل توجهی را در کاهش میزان قروض خارجی و همچنین بهبود ساختار سررسید بدهیها بدست آورده است ، لکن سهم کل بدهیها در تولید ناخالص ملی این کشور همچنان بسیار بالاست . بطوریکه تا پایان سال ۱۹۸۶ جمع کل بدهیهای این کشور به حدود ۴۵ میلیارد دلار بالغ میگردد است (۱)

وضعیت اقتصادی کره جنوبی در سال ۱۹۸۶

oooooooooooooooooooooooooooooooooooooooooooooooooooooooooooo

طی سال ۱۹۸۶ اقتصاد کره جنوبی به سه هدف عمده خود که همانا رشد بالای اقتصادی ، مازاد قابل توجه در حساب جاری و سطح ثابت

(۱): The Bank of Korea - Annual Report , (37 th ,

1986) . p.64.

قیمتها باشد، دست یافت. بی‌شک مهمترین این دستاوردها برای اقتصاد این کشور، ما زادچشمگیری است در حساب جاری که برخلاف سالهای گذشته که همواره منفی بوده، بوجد آمده است. این مسئله نه تنها اقتصاد کره جنوبی را در تامین منابع مالی سرمایه‌گذاری یاری خواهد کرد، بلکه این کشور را قادر می‌سازد تا از بار قروض خارجی خود به میزان قابل توجهی بکاهد. علاوه بر این کره جنوبی در سال ۱۹۸۶ شاهد بالاترین نرخ رشد واقعی از سال ۱۹۸۰ به بعد بوده است.

از سوی دیگر رقابت پذیری صنایع بدنیال سیاست تشویقی قیمت‌های دولت و کوشش‌های بی‌وقفه بخش‌های مختلف صنعتی جهت افزایش کیفیت کالاها و همچنین توسعه محصولات جدید، بطور قابل توجهی تقویت گردید. علاوه بر این، شرایط اقتصاد جهانی بویژه در مورد تغییرات نرخ‌های ارز (بین ژاپن و سایر ارزهای عمده اروپایی) در رشد صادرات کره تاثیر زیادی داشته است. همچنین روند مطلوب توسعه در کشورهای خارجی، همراه با اقداماتی جهت تشویق سرمایه‌گذاری‌های داخلی نظیر عرضه قابل توجه وام‌های تجهیزاتی برای صنایع صادراتی، باعث گسترش سریع سرمایه‌گذاریهای تجاری کسسه در سال قبل (۱۹۸۵) با رکود مواجه شده بود، گردید. در مجموع و بدنیال سال رشد سریع تقاضا، تولید ناخالص داخلی و تولید ناخالص ملی کره جنوبی در این سال بترتیب از نرخ‌های رشد بالای ۱۱/۹ و ۱۲/۵ درصد برخوردار گردیدند.

برای اولین بار از زمان اجرای برنامه‌های ۵ ساله توسعه اقتصادی، تراز تجاری این کشور متعاقب رشد سریع صادرات و سقوط قیمت‌های نفت خام، از ما زاد قابل توجهی برخوردار گردید. این مسئله

(۱): Equipment Loans

همراه با کاهش درکسری تجارت نامرئی باعث گردید که کسری حساب جاری کره جنوبی برای اولین مرتبه به ما زادی معادل ۴/۶ میلیارد دلار تبدیل گردد. از سوی دیگر ما زاد حساب جاری ضمن کاهش تقاضا برای جریان سرمایه (بداخل)، در کل میزان بدهی خارجی نیز برای اولین بار کاهش بوجود آورد. سطح قیمت‌ها برای ۵ سال متوالی نسبتاً " ثابت ماند، بطوریکه قیمت‌های عمده‌فروشی شاهد ۲/۲ درصد کاهش و قیمت‌های مصرف‌کننده تنها ۲/۳ درصد افزایش داشتند. از جمله عوامل عمده‌ای که در ثبات قیمت‌ها موثر بودند، کاهش قیمت‌های داخلی مرتبط با نفت - نتیجه سقوط قیمت‌های جهانی نفت - مدیریت موثر تقاضای کل از طریق سیاست‌های پولی و مالی و کاهش انتظارات تورمی را میتوان نام برد.

(۱)

سیاست اقتصادی دولت در این سال بطور کلی بر حول سه محور عمده قرار داشت: تحکیم روند ما زاد حساب جاری، رشد مداوم اقتصادی و ثبات قیمت‌ها که اساساً " بر روند مطلوب اقتصاد جهانی یعنی، پائین بودن قیمت‌های نفت، پائین بودن نرخ‌های بهره و پائین بودن ارزش دلار (که در اقتصاد کره جنوبی " Three-Lows " نامیده میشود) متکفی بوده است. از سوی دیگر دولت این کشور سیاستی مبنی بر تعدیل ساختاری صنایع را نیز به‌مورد اجرا گذارد. این سیاست تشکیل شده است از بازسازی فعالیت‌های تجاری از بعد مالی، توسعه ماشین‌آلات، قطعات و مواد صنعتی جهت گسترش رشد بالقوه کل اقتصاد و شتاب بخشیدن به توسعه تکنولوژی و منابع انسانی. توسعه متعادل تربین بخش‌ها از طریق افزایش حمایت‌های مالی در مورد موسسات و شرکت‌های کوچک و متوسط و همچنین اقتصادهای روستایی نیز از جمله اقداماتی بوده که

(۱): Inflationary Expectations

(۲): Intersectoral

دولت‌کره جنوبی در سال ۱۹۸۶ ابدان میادرت ورزیده است. از سوی دیگر سیاست مالی در سال مزبور به نحوی تنظیم شده بود که بخش دولتی حداقل تاثیر را بر کل عرضه پول داشته باشد. همچنین دولت سعی می کرده است تا با توجه به افزایش احتمالی مصرف و بورس بازی مستغلات متعاقب رشد بالای درآمدها، ثبات اقتصادی را حفظ نماید.

تامین میزان بهینه عرضه پول و کافی بودن موجودی تخصیص یافته به نظام بانکی، از جمله اقداماتی بود که دولت در زمینه سیاست‌های پولی و اعتباری به‌مورد اجرا گذارد.

با توجه به نگرانی از افزایش احتمالی نقدینگی بدنبال بهبود ترازپرداختها، مقادیر پولی افزایش جریان نقدینگی خارجی را به نحوی تنظیم کردند که به کل اقتصاد سرازیر نگردد. تخصیص وامهای محدود به سرمایه‌گذاری‌های تولیدی و توسعه تکنولوژی در زمینه قطعات و مواد صنعتی و همچنین به موسسات و شرکتهای کوچک و متوسط از دیگر سیاستهای اعتباری دولت بوده که در سال ۱۹۸۶ به‌مورد اجرا گذارده است.

در سال ۱۹۸۶ هزینه‌های مصرف‌نهایی $6/7$ درصد و مصرف خصوصی $6/3$ درصد - اندکی بالاتر از سال قبل - و متعاقب تقاضای زیاد برای کالاهای بادوام افزایش داشته است. همچنین نسبت پس‌اندازهای ملی علی‌رغم افزایش قابل توجه درآمدها و رشد مداوم مصرف، شاهد افزایشی معادل $32/8$ درصد بودند. از سوی دیگر نسبت سرمایه‌گذاری ناخالص در سال مزبور، $30/2$ درصد بود که در مقایسه با سال قبل اندکی کاهش نشان می‌داد. قابل ذکر است که موازنه‌های پس‌انداز ملی و سرمایه‌گذاری در سال ۱۹۸۶ برای اولین بار از ماژاد بر خوردار گردید که این مسئله نشان‌گر این است که اقتصاد کره جنوبی در تامین مالی مناسب سرمایه‌گذاری به خود کفایی رسیده است.

شاخص‌های عمده اقتصادی کره جنوبی

۱۹۸۶	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳	۱۹۸۲	واحد	شرح
۱۱/۹	۵/۳	۸/۶	۱۰/۹	۵/۷	نرخ رشد (درصد)	۱- تولید ناخالص داخلی
۴/۴	۴/۸	۰/۲	۶/۵	۳/۳	"	کشاورزی، جنگلداری، ماهیگیری
۱۶/۸	۳/۹	۱۴/۵	۱۲/۱	۴/۰	"	صنعت و معدن
۱۱/۴	۷/۷	۹/۲	۱۳/۰	۸/۳	"	سایر بخشهای صنعتی
۱۳/۵	۵/۴	۸/۴	۱۱/۹	۵/۳	"	تولید ناخالص ملی
۶/۷	۵/۱	۵/۲	۷/۲	۴/۲	نرخ افزایش (درصد)	مصروف کل
۱۵/۰	۴/۴	۱۰/۷	۱۷/۱	۱۲/۹	"	سرمایه گذاری ثابت
۲۶/۶	۲/۱	۱۰/۰	۱۵/۵	۶/۵	"	صادرات (واقعی)
۱۸/۶	-۱/۷	۱۰/۱	۱۰/۹	۲/۰	"	واردات (واقعی)
۳۰/۲	۳۱/۱	۳۱/۹	۲۹/۹	۲۸/۶	درصد	نسبت سرمایه‌گذاری ناخالص به تولید ناخالص
۳۲/۸	۲۸/۶	۲۷/۹	۲۵/۳	۲۰/۹	"	نسبت یوناندا زهای منی
۳/۸	۴/۰	۳/۸	۰/۱	۴/۴	"	نرخ بیکاری
۴/۶۲	-۰/۸۹	-۱/۳۷	-۱/۶۱	-۲/۶۵	میلیارد دلار	۲- تراز جاری
۴/۲۱	-۰/۰۲	-۱/۰۴	-۱/۷۶	-۲/۵۹	"	تراز تجاری
۳۳/۹۱	۲۶/۴۴	۲۶/۳۳	۲۳/۲	۲۰/۸۸	میلیارد دلار	صادرات
(۲۸/۳)	(۰/۴)	(۱۳/۵)	(۱۱/۱)	(۱)	درصد	نرخ افزایش
۲۹/۷۱	۲۶/۴۶	۲۷/۳۷	۲۴/۹۷	۲۳/۴۷	میلیارد دلار	واردات
(۱۲/۳)	(-۳/۳)	(۹/۶)	(۶/۴)	(-۳/۴)	درصد	نرخ افزایش
۸۶۱/۴۰	۸۹۰/۲۰	۸۲۷/۲۰	۷۹۵/۵۰	۷۲۸/۸۰	وون	نرخ برابری وون در برابر دلار
-۲/۲	۰/۹	۰/۷	۰/۲	۴/۷	نرخ افزایش (درصد)	۳- قسب‌های عمده فروشی
۲/۳	۲/۵	۲/۳	۳/۴	۷/۳	"	قیمتهای مصرف‌کننده
۱۸/۶	۱۵/۶	۷/۷	۱۵/۲	۲۷/۰	"	۴- کل موجودی پول در پایان دوره (M۲)
(۱۶/۹)	(۱۱/۸)	(۱۰/۷)	(۱۹/۵)	(۲۸/۱)	"	(متوسط دوره)
۱۷/۱	۱۵/۸	۰/۵	۱۷/۰	۴۵/۶	"	مصرف پول در پایان دوره (M۱)
۱۱/۰	(۳/۳)	(۹/۹)	(۲۵/۹)	(۲۴/۲)	"	متوسط دوره
۱۴/۴	۱۸/۰	۱۳/۲	۱۵/۷	۲۵/۰	"	اعتبار داخلی

ماخذ:

The Bank of Korea . Annual Report , (37 th , 1986) , p.2.

(۱): The Central Bank of the Republic of Turkey, Economic Research Bulletin

January - June 1987.

(۲): The Bank of Korea. Annual Report , (37th, 1986)

(۳): Korea Annual , 1980- Edited and Published by the Hap Dong News Agency.

صادرات کالاهای با قیمت‌های ثابت در طول سال ۱۹۸۶ نیز افزایش قابل توجهی داشته، یکی از عوامل عمده‌ای که در گسترش حجم صادرات این کشور تاثیر داشته‌است، افزایش قیمت‌های رقابتی متعاقب افزایش شدید نرخ برابری بین وسایر ارزهای عمده اروپایی بوده‌است. افزایش صدور اتومبیل‌های سواری و دستگاه‌های ضبط ویدئو (VTRS) همراه با بالا رفتن کیفیت محصولات صادراتی، عمده‌ترین پیامدهای رشد صادرات این کشور در سال مزبور بوده‌اند. از سوی دیگر واردات و بویژه واردات کالاهای سرمایه‌ای و مواد خام برای صادرات نیز طی سال ۱۹۸۶ افزایش قابل توجهی داشته‌است، لکن در مقایسه با صادرات از رشد کمتری برخوردار بوده‌است. بطور کلی افزایش صادرات تاثیر قابل توجهی در رشد تولید ناخالص داخلی در سال مورد بررسی داشته‌است.

بزرگ

از سرآغازت نظر احمالر کشور شماره (۲)

دیروزم

از سوی مؤسسه مطالعات پژوهشهای بازرگانی منتشر خواهد شد.